



آیین انکار التقاطی از آموزه‌های مشترک ادیان و مفاهیم اخلاقی است

توثیچل آموزه‌های مشترک ادیان را اخذ کرده و به آنها مفاهیم اخلاقی و معنوی نیز افزوده است و از همین روی آئین انکار را یک دین واحد جهانی می‌داند که تمام ادیان را درون خود دارد.

توثیچل آموزه‌های مشترک ادیان را اخذ کرده و به آنها مفاهیم اخلاقی و معنوی نیز افزوده است و از همین روی آئین انکار را یک دین واحد جهانی می‌داند که تمام ادیان را درون خود دارد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمدتقی فعالی، مدرس حوزه و دانشگاه و نگارنده 9 جلد کتاب در باب جنبش‌های نوظهور معنوی، در سیزدهمین نشست از سلسله نشست‌های «#171؛ آسیب‌شناسی عرفان‌های کاذب» که در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور برگزار شد، به ایراد سخنرانی پرداخت.

فعالی با بیان این‌که بیش از 80 درصد از آموزه‌های این آئین تکنیک‌های خروج روح از بدن است، اظهار کرد: کسی که بتواند در هر زمان و مکان روح خود را از بدنش جدا کند، از جمله رهبران برجسته آئین اک در جهان محسوب می‌شود، حال چه خود بداند یا نداند و چه خود بخواهد یا نخواهد.

وی با بیان این‌که پاسخ به این مسئله از نگاه عقلی و دینی واضح و مشخص است، افزود: در نگاه دینی و از منظر قرآن هیچ‌گاه اوج تعالی انسان خروج روح از بدن معرفی نشده است، همان‌طور که قبلاً در مورد کسب قدرت‌های معنوی نیز سخن به تفصیل گفته شد که این مطلب نیز از سوی خالق بشر به عنوان غایت خلقت وی معرفی نشده است.

فعالی با بیان این‌که غایت خلقت بشر و تنها راه اوج تعالی وی آشتی وی با خالق خود و آشنایی او با اسمای زیبای خدا است، ادامه داد: در یک حساب منطقی ساده می‌توان این‌گونه مطرح کرد که این جهان خالقی دارد و بندگان مخلوق او هستند؛ لذا اوج تعالی هر مخلوقی در این است که به خالق خود نزدیک شود. خالق هستی این مفهوم را در مضامین دینی و آخرین نامه‌اش به بندگان با نام قرآن کریم، از این مفهوم با عنوان «#171؛ عبودیت» یا «#171؛ قرب» یاد کرده است.

این محقق و پژوهشگر با تأکید بر این‌که کل قرآن از دو بخش تشکیل شده است، عنوان کرد: بخشی از قرآن مربوط به غایت خلقت انسان است و بخش دیگر راه‌کارهایی برای نیل به این هدف است. اوج تعالی انسان نشستن وی در کنار خدا و آشتی او با خالق هستی است.

بعد از جنگ دوم جهانی تفکر نظامی‌گری و ارتشی با مقوله معنویت همراه شد. البته این همراهی تنها برای نیل به اهداف نظامی صورت گرفت زیرا معنویت به بهترین شکل می‌تواند اهداف نظامیان و نظامی‌گری را محقق سازد، البته نه هر معنویتی بلکه معنویت به شکلی خاص و ویژه.

وی با اشاره به این‌که خداوند عالم را آفرید و سپس آدم را آفرید و آدم را در عالم آفرید و عالم را در خدمت آدم آفرید تا آدم راهی به سوی خالق خود پیدا کند، اضافه کرد: تمام دین متشکل از همین دو بخش است، یعنی غایت خلقت و راه نیل به این غایت. در قرآن تمام ابعاد این دو بخش به تفصیل بیان شده است.

فعالی با اشاره به آیه شریفه «#171؛ إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» عنوان کرد: هدف از خلقت انسان صعود و رفعت وی است. هدف از خلقت عروج و رفتن به معراج و رسیدن به خالق است تا انسان‌ها با معرفت شوند و به تعبیر دیگر انسان‌ها سالک و عارف بالله و اسمای او شوند. در این مسیر خالق به انسان هدایا و پاداش‌هایی خواهد داد که قدرت‌های معنوی بخشی از این هدایا محسوب می‌شود. هرگاه خدا به انسان یک عطیه و هدیه از جانب او محسوب می‌شود که از رحمت رحیمیه او برخاسته است.

این استاد حوزه و دانشگاه ادامه داد: در این مسیر خداوند به انسان عشق، زهد، قدرت و دیگر اموری که لایق آن مقام باشد را عنایت می‌کند. بنابراین هدف خروج روح از بدن همان‌گونه که آئین انکار به آن اشاره می‌کند و یا کسب قدرت‌های معنوی، همان‌طور که سای‌بابا به آن اشاره می‌کرد، نیست بلکه هدف آشتی قلبی با خدا و نشستن در کنار اوست.

وی با اشاره به این‌که برخی از عارفان مسلمان دارای قدرت خلع بدن هستند، گفت: اگر صد مقام در سلوک عرفانی از دیدگاه اسلام بیان شود، اولین منزل سلوک خلع بدن یا نفی خواطر خواهد بود. با این بیان مشخص می‌شود که آنچه از دیدگاه اکیست‌ها آخرین

گام به شمار می‌آید، از نگاه اسلامی اولین قدم محسوب می‌شود.

فعالی با بیان این‌که این‌گونه حالات با يك بررسی ساده در احوال علمایی چون آیت‌الله‌العظمی بهجت و آیت‌الله بهاء‌الدینی به راحتی قابل مشاهده است، اظهار کرد: نکته مهم این است که چون این حالات از پله‌های اول سیر و سلوک محسوب می‌شود به هیچ‌عنوان قابل اعتنا برای ایشان نبوده و به سادگی از کنار این موارد گذشته‌اند، زیرا اگر کسی دل به این قدرت‌ها ببندد، نه تنها در امر سیر و سلوک توقف می‌کند، بلکه سرآغاز سقوط و انحطاط وی را موجب می‌شود. این خاصیت سلوک و عرفان از نگاه کائناتی آن است. البته باید توجه داشت که نوع بحث‌هایی که توئیچل و دیگر رهبران اک مطرح می‌کنند یاوه‌ای بیش نیست و هیچ‌گونه واقعیتی ندارد.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به شیوه‌ها و راه‌کارهای نیل به خروج روح از بدن از نگاه اکیست‌ها عنوان کرد: یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها جهت نیل به این حالت معنوی روشی با نام روش تخیلی است. روش تخیلی که توئیچل مبدع آن است به این معنی است که انسان در يك وضعیت خاص جسمی قرار بگیرد، به‌طوری‌که در حالت نشسته به‌صورت چهارزانو، سر و سینه کاملاً صاف، دست‌ها بر روی زانو و بر روی تشك «کوان قرار گرفتن که اگر کسی با اندیشه‌های شرقی آشنا باشد، دقیقاً همان یوگا و آئین ذن‌بودیسم است.

وی با بیان این‌که این افراد در حقیقت سارقان معنویت هستند، افزود: به صراحت می‌توان اذعان کرد که غرب معنویت را به‌دور از هرگونه قضاوت در مورد صحیح یا باطل بودن آن از شرق دزدیده‌اند. ایشان آئین بودا، یوگا، ذن‌بودیسم و دیگر آئین‌های شرقی را اخذ و با دین و معنویت مسیحی آمیخته‌اند و با نام معنویت جدید ارائه می‌دهند.

اگر صد مقام در سلوک عرفانی از دیدگاه اسلام بیان شود، اولین منزل سلوک خلع بدن یا نفی خواطر خواهد بود. با این بیان مشخص می‌شود که آنچه از دیدگاه اکیست‌ها آخرین گام به‌شمار می‌آید، از نگاه اسلامی اولین قدم محسوب می‌شود.

فعالی ادامه داد: شگرد این روش این‌گونه است انسان باید افکار خود را دريك لحظه «اثیری» گذاشته و اشتیاق خروج روح از بدن را در خود پرورش دهد. روش فیزیکی این عمل نیز بدین صورت است که روی يك صندلی راحتی باید نشست و یا روی يك کاناپه دراز کشید، به بدن حالت استراحت داد و چشمان خود را باید بست، اگر کشش یا فشاری در بدن وجود دارد باید آن را زدود، مستقیماً به آن مکان یا زمان خیره شد، بعد از گذشت زمانی در آن مکان یا زمان خواهید بود. بیش از آنکه این روش خروج روح از بدن باشد، تخیل چنین حالتی است یعنی در حقیقت پندار سفر روح است.

این استاد حوزه و دانشگاه سومین آموزه آئین اکیست‌ها را طبقه‌بندی برای جهان‌هستی دانست و افزود: ایشان برای هستی هفت طبقه را تعیین می‌کنند که طبقه هفتم به‌نام سوگماد مخصوص افراد ویژه و رهبران اکیست‌ها است که در پندار ایشان همان بهشت برین است.

وی با بیان این‌که توئیچل آئین انکار را يك دین واحد جهانی می‌دانست که تمام ادیان را درون خود دارد، اظهار کرد: توئیچل آموزه‌های مشترک ادیان را اخذ کرده و به آنها مفاهیم اخلاقی و معنوی نیز افزوده است و تمام انبیاء از آدم تا خاتم و دیگر بزرگان جهان را به این رهبران اضافه می‌کند. وی می‌گوید هرکس با هر دین و آئینی در جهان باید معنویت خود را از ما اخذ کند.

فعالی با اشاره به صوت و نور بودن آئین اک عنوان کرد: یکی از ممیزات آئین انکار که رهبران آن نسبت به آن حساسیت ویژه‌ای دارند این است که اعتقاد دارند آئین انکار آئین نور و صوت است. این مطلب به این معنی است که گاه رهبران این آئین می‌بینند که در خانه‌شان آتش افتاده است که این آتشی بر خرمن دل و جان ایشان است.

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: رهبران آئین انکار تمام اصوات عالم را صوت سوگماد یا بهشت می‌پندارند. اگر کسی بخواهد صوت سوگماد را همیشه بشنود باید دائماً مشغول به ذکر «هیو» باشد. این ذکر پیروان این آئین را به سوگماد و صوت سوگماد رهنمون می‌شود.

فعالی با تأکید بر این‌که پال توئیچل و کلمپ هردو در ارتش امریکا فعالیت می‌کردند، خاطرنشان کرد: بعد از جنگ دوم جهانی تفکر نظامی‌گری و ارتشی با مقوله معنویت همراه شد. البته این همراهی تنها برای نیل به اهداف نظامی صورت گرفت زیرا معنویت به بهترین شکل می‌تواند اهداف نظامیان و نظامی‌گری را محقق سازد، البته نه هر معنویتی بلکه معنویت به شکلی خاص و ویژه. در اثبات این مطلب می‌توان به تنها معنویت موجود در ایالات متحده امریکا یعنی انکار اشاره کرد که رهبران آن خود از جمله ارتشیان این کشور هستند، «EK» نماد آئین اک یا انکار در جهان است.